

دکتر زرنه خان، بخش فارسی
دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره، هند

بررسی و ارزیابی سبک غنی کشمیری

چکیده:

درین امر شاید کسی شکی نداشته باشد که شبه قاره نیز مثل سر زمین ایران از حیث گسترش زبان و ادبیات فارسی چه رشته در نظم و چه نثر، گویندگان و نویسندگان ممتازی داشته است. دوره مغول در هند عروج زبان و ادبیات فارسی بشمار میرود، شهرهای مختلف در هند مرکز گسترش ادبیات فارسی بودند. مانند این که کشمیر، گهوراره علم و ادب و پیروان طریقت شناخت خود دارد. ازین سرزمین، غنی کشمیری شاعر معروف و مقبول دوره عالمگیر برخاست و بر آسمان ادب مثل ستاره درخشان جلوه افروزی کرد.

واژگان کلیدی: مولد منشا کشمیر، احوال و اقدار زندگی، شعری معاصر بحیث غزلگو، تمثیل نگاری

مقدمه: ملا محمد طاهر غنی کشمیری نماینده گوینده ی عهد خویش است. نوشته ها و اشعار او در دوران زندگیش مشهور و زبان زد عام بود. غنی شاگرد شاعر بزرگ محسن فانی بود. صائب تبریزی، قدسی، کلیم، و فطرت و جز آن از معاصرین او بودند. صائب در زندگی خویش غنی را ملاقات کرده بود و ستایش گرسخن او بود. صائب یکی از ابیات شعر غنی را بسیار می پسندید و آن را معادل کل دیوان خود می دانست، و آن بیت اینست.

حسن سیزی به خط سبز مرا کرد اسیر

دام هم رنگ زمین بود، گرفتار شدم

(فارسی ادب بعهد اورنگ زیب، ص ۲۸)

صائب تبریزی هم در جواب غزل غنی، غزل گفته است و درین بیت
خاطر نشان کرده است.

این جواب آن غزل صائب که میگوید غنی
یاد ایامی که دیگ شوق ما، سرپوش داشت

(سرو آزاد، ۱۰۳)

غنی بیشتر عمر خود در کشمیر بسر برد و گاه بگاه به اطراف هند برای سیر
و تماشای رفت و لیک چو از وطن خود جدا بود، خیلی ناراحت شده و
درین رباعی در باره رفتن بیرون کشمیر تذکر داده است.

کرده است هوای هندد لگیر مرا
ای بخت رساں باغ کشمیر مرا
گشتم ز جرارت غریبی بیتاب
از صبح وطن بده طباشیر مرا

دیوان غنی کشمیری، ص ۴۱)

در سراسر زندگی خویش غنی در پیشه درس و تدریس منسلک بود.
همچنین در مشق سخن و شعر گوئی مشغول بود. اهمیت و ارزش اقدار
اعلی در زنگیش زیاد بود. بیشتر زندگی خود در تجرد و خانه نشینی بسر
برد. غنی در حین حیات با منصبداران و امیران در ارتباط بود. و لیک
هیچ وقت شعر و سخن گوئی را وسیله کسب معاش نگر دانید. اخلاق
مرضیه و اعتقاد پاکیزه و خود داری، سخاوت، درویش منشی در مزاجش
بدرجه اتم بود. اگرچه او گنج و ثروت زیادی نداشت، اما در تجرد و
تفرد از علائق دنیا همچو او کمتر کسی دیده میشود.

غنی کشمیری عمر دراز یافت و در پیری لاغر و کمزور شد.
در سنه ۱۰۷۹ هـ از دارفانی راوداع گفت و در مقبره الشعری کشمیر،
مدفون گردید (سرو آزاد، ص ۱۰۴)
غنی عالم و فاضل و دانش مند بود و در علم و فضیلت بلند مرتبه داشت.

چنانکه او در بیت زیر از مقام علمی و ادبی و سخن گوئی خود می
سراید.

ز شعر من شده پوشیده فضل و دانش من
چون میوه ای که بماند زیر برگ نهان

(همان، ص ۲۱۱)

در دیوان چاپ شده، غنی کشمیری غزلیات، رباعیات، قطعات و یک
مثنوی در ستایش حجام و دیگر مثنوی شتائیه دیده می شود. عده ای
اشعار وی از یک هزار و نه صد می گزند.

در خطه کشمیر مثل غنی، سخن گوی دیگر بنود، و طرز نگارش
این سخنور به گو نه ای متفاوت بود. در نثر نگاری و انشا پر دازی هم هنر
مندی خود را به ثبوت رسانید. غنی در مقایسه با شاعران پیشین مقامی
بلند داشت. درستی زبان، روانی کلام، فراوانی، لطافت معنی، مثل او
دیگر نیست. غنی هر دو دوره بادشاه شاهجهان و اورنگ زیب را دیده
بود. نه فقط شعرای هم عصر او بلکه دیگر شعرای هند هم گلها ی عقیدت
به پایش افشاندند. شعرای مثل فطرت سویو مرزا بیدل شیفته طرز نگارش
او بودند. چنانکه در ابتدای مقاله آراء صائب تبریزی نقل شده. شاعر
مشرق علامه اقبال لاهوری هم معترف به خوش الحانی وقادر الکلامی او
بود.

غزلگویی غنی کشمیری سبکی و یژه است. موضوعات غزل آن
چنان که در آن زمان رواج داشت شامل اخلاق و تصوف و فقر و استغنا
می شدند. ویژگی و امتیاز خاص غزل او معانی یابی و مضامین تازه
و تراکیب مهذب و زبانش روان، شیرین، نرم و لطیف است. باین که وی
متصوف بوده، در کلامش رنگ صوفیانه دارد.

مثال تازه گوئی و معنی یابی در این اشعار قابل ملاحظه است:

آب بود معنی روشن غنی

خوب اگر بسته شود گوهر است

معنی صاف که در قالب الفاظِ بداست
هست آئینهٔ صافی که نهان درنمداست

(همان، ص ۹۹-۱۰۱)

غنی در غزلیاتش از ویژگیهای سنتی، نظیر چهره، زلف، چشم و ابرو، لب و دندان، قامت و رفتار و غمزه و عشوهای معشوق را کمتر تذکر داده است. ولیکن چون او عاشقانه و خمربه موضوعات را در غزل استفاده میکند، دلکشی و دلنشینی طرز نگارش نمایان میشود چنانکه میسراید.

عاشقان را جنبش مژگان چشم یار کشت
عالمی را اضطراب نبض این بیمار کشت

(سرور آزاد، ص ۱۰۴)

ساقی‌بجام ریز می پرتگال را
ماه تمام ساز بیک شب، هلال را

باد صبا به گلشن حسن توره نیافت
آن غنچهٔ دهن به نسیم سخن شگفت

(دیوان غنی، ص ۱۱۷-۷۰)

در آن دورهٔ رواج عام بود که گویندگان کلام خود را از صنایع و بدایع آراسته و مزین میکردند. غنی کشمیری هم در غزل خود معنی یابی، مضمون آفرینی، ایهام و تمثیل، تلمیح و تشبیه و استعاره و کنایه را بخوبی استفاده میکند و این و صف مخصوص کلام او است. از آن جهت که در آن زمان گویندگان و نویسندگان علم و هنر و قابلیت خود را به

نمایش می گذاشتند. در سخن گوئی مشکل پسندی و ایهام، قدر و ارزش داشت. به سبب این غنی کشمیری هم این طرز نگارش را ورزیده و بعد از تفکر بسیار شعر سروده.

باین که اشعارش بظاهر ساده و سهل می نمایند ولی معنی عمیق و نکته های دقیق دارند. نمونه ای از اشعارش که باعتبار الفاظ ساده و عام فهم اند، معنی تأثیری مهم دارند.

هر که پابند وطن شد می کشد آزارها
پای گل اندر چمن دائم پراست از خارها

تا رزق خود رسد بدهانت چو آسیا
دائم خموش دار زبان سؤال را

مدت شادی و غم، نیست برابر بجهان
گریه شمع شی، خنده صبح است دم

(همان، ص ۲۲۳، ۷۱، ۷۰)

زیاده شهرت و مقبولیت کلام غنی بخاطر استدلال و تمثیل نگاری است. در فن تمثیل نگاری امیر خسرو پیشرو بود و مرزا صائب تیریزی این فن و هنر را به اوج کمال رساند و لیکن غنی کشمیری هم درین فن مهارت نشان داده و فن ارسال المتمثل را پیشرفت داد و همیشگی کرد. مدتها متاخرین گویندگان هند و بیرون هند از طرز غنی پیروی می کردند.

در ایات گونه گونی، غنی کشمیری موضوعات مثالیه رانویین نموده و تازگی بخشیده است. در اشعارش از علامات مروجه استفاده کرده و لکن در آن جدت و معنی تازه، مضامین نوین و جود دارند، چنان که خوانندگان آفرین میگویند. و سخن شناسان و منتقدین به قدرت کلام و

دقت نظر غنی معترف هستند. زبان و بیان وی، صاف و روان و سلیس
است و به قول معروف "از دل برمی خیزد و در دل می نشیند".
به عنوان نمونه، ازین ابیاتش، چندین بیت نقل می گردد:
دیده چون آن دولب شیرین دید
معنی قند مکرر فهمید

ار شهرت هوس داری، اسیر دام عزلت شو
که در پرواز دارد گوشه گیری نام عنقارا

لباس ماسبک ساران تعلق بر نمی تابد
بود همچون حباب از بخیه خالی پیرهن مارا

فلک در گردش است، از بهر خواب بخت ناسازم
بود در جنبش گهواره راحت، طفل بد خورا

نمی باشد مخالف قول و فعل راستان باهم
که گفتار قلم باشد ز رفتار قلم پیدا

هلال نیست که ناخن زده است بردل چرخ
نوشته مصرع ابروی او بآب طلا
(همان، ص ۶۰، ۷۵، ۵۹، ۵۸، ۱۴۳، ۶۳)

ندارد ره بگردون روح تا باشد نفس در تن
رسائی نیست در پرواز مرغ، رشته دریا را

نگردد شعر من مشهور، تا جان در تنم باشد

که بعد از مرگ آهو، نافه بیرون میدهد بو، را
سنگین دل است هر که بظاهر ملائم است
پنهان درون پنبه نگر پنبه دانه است
(همان، ص ۱۰۰، ۱۰۶)

غنی کشمیری در اشعارش فلسفه و تصوف باهم آمیخت و این
آمیزش، بسیار جالب دلکش و دلنواز است. افکار را در انداز مخصوص
خودش که طره امتیاز اوست، ارایه نموده است.
درین جا از این ابیاتش که مثل مشتی از خروار، برای خوانندگان گرامی
نقل میشوند.

هزاران معنی باریک باشد بیت ابرورا
بغیر از موشگافان کس نفهمد معنی اورا

عنان نفس کشیدن، جهاد مردان است
نفس شمرده زدن، کار اهل عرفان است

در بیابان طلب، رهگری نتوان یافت
که بهرگام نشانی زسرح نتوان یافت

گوش غواص شنید، از لب خاموش حباب
دم نگهدار کزین به گهر نتوان یافت
(همان ۱۰۶-۱۰۳)

این سخنور خوش بیان، در اشعارش از صنائع لفظی بیشتر
استفاده کرده. مثل صنعت تلمیح که خاص وصف غزل است رادر
محل مناسب استفاده نموده و حسن و رعنائی غزل را دو چندی کند.
غنی در کلامش روش دلنشینی را بکار برده است. وی در اشعار زیر "قصه"

یوسف و زلیخا“ را اشاره کرده از مضمون تازه کمال هنر پیدا کرده است:

غنی روز سیاه پیرکنعان را، تماشا کن
که نور دیده اش روشن کند، چشم زلیخا را

خضاب موی زلیخا، مگر کند یوسف
که برده است سیاهی ز دیده یعقوب

(همان، ص ۹۳-۵۸)

علم و فضل و هنر و تفکر عمیق، غنی را شاعر مخصوص مکتب فکر گردانیده است. چنان که شعرا و همیشه به باریک بینی غنی اشاره کرده و مضامین تازه را بیان می دارد. در کلامش فراوانی مضامین تازه و جدت، مانند آب روان از هنر کلکش بوجود می آیند. چند بیت از اشعارش که نمونه تازه گوئی اند برای بینائی چشمان و راحت خسته دلان نقل میشود.

قوس قزح اگر چه، بگردون کشیده سر
ابروی بار دیده و رنگش پیده است

از سر خاکی که آن شیرین شمایل بگذرد
بیضه طوطی شود خرمن بجای دانه ها

مگر نقلی ز روی نسخه حسن تو بردارد
که مه امشب کشید از هاله، جدول صفحه رورا

در جهان نتوان نشان از سیر چشمی یافتن

چشمه خورشید هم محتاج آب شبنم است

(همان، ص ۶۹-۴۹)

بخاطر معنی آفرینی، نازه گوئی، موضوعات نوین، تشبیهات و استعارات
وافر، کلامش را فی الجمله پرکیف و پرمغزو دلنشین ساخته است۔

نتیجه گیری:

بیشتر تذکره نویسان، غنی کشمیری را نه فقط در کشمیر بلکه در
سراسر هند، شاعران در مقایسه با همه بسیار خوش فکر و نازک خیال، دقیق
بین دانند۔ غنی مقبولیت و شهرت خاص در صحنه ادبیات هند و بیرون از
هند دارد۔ ویژگی و ارزش اشعارش غنی و طرز نگارش خاص وی او را
در بین شاعران هند مقام شامخی می دهد۔ و کلام شور انگیز و شیرین و
شیوای او 'باب روشن' شعر فارسی است۔

مآخذ و منابع:

- ۱۔ دیوان غنی کشمیری، جمو کشمیر اکیڈمی آف آرٹس اینڈ لینگویجز،
سری نگر، ۱۹۶۴۔
- ۲۔ تذکره سرو آزاد، میر غلام علی آزاد بلگرامی، دخانی رفاه عام،
لاهور، پنجاب، طبع اول، ۱۹۱۳
- ۳۔ فارسی ادب بعهد اورنگزیب، ڈاکٹر نورالحسن انصاری، کوه نور
پریس، دهلی، اشاعت اول، ۱۹۶۱

☆☆☆